

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جہان سائبر کے چہار چاند خورشید



www.14khorshid.ir

www.14khorshid.ir ورودہ بیات:



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

مرکز تخصصی شیعه‌شناسی

زیر نظر حضرت آیت الله مکارم شیرازی

موضوع تحقیق:

ملعونین در قرآن و روایات فریقین

استاد: حجة الاسلام لطیفی (دامت توفیقاته)

دانش پژوه: حیدرخواه

نیمسال اول - دوره دوم ۱۳۸۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ملعونین در قرآن و روایات فریقین

فهرست مطالب:

فهرست مطالب:	۴
مقدمه	۶
فصل نخست: تبیین موضوع ملعونین	۷
تعریف ملعونین:	۷
ملعونین اسم مفعول است از ماده لعن یلعن: یعنی کسی که مورد لعن واقع شده	۷
لعن در لغت	۷
لعن در لغت به معنای طرد و دور کردن است:	۷
لعن از نگاه عقلا و عرف	۷
فلسفه لعن	۹
فصل دوم: لعن در نگاه قرآن و معیار آن	۱۳
مصادیق ملعونین در قرآن	۱۴
شیطان	۱۴
کافران	۱۵
اهل کتاب	۱۷
آزاردهندگان خدا و رسول خدا	۱۸
قتل عمد مؤمن	۲۰
فسادگران در زمین	۲۱
ستمگران	۲۱
دروغگویان	۲۱
رهبرانی که مردم را به آتش فرا می خوانند	۲۱
نسبت دهندگان به زنا	۲۲
شجره ملعونه در قرآن	۲۲
منافقان	۲۵
ویژگی ملعونین در قرآن	۲۶

- فصل سوم: ملعونین از نگاه روایات..... ۲۷
- اقسام ملعونین در روایات صادره از پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله):..... ۲۷
- الف) گروه های مختلف..... ۲۷
- ب) بدعت گذاران و فرقه های مرجئه و قدریه..... ۲۸
- ج) معصیت کاران مورد لعن زمین..... ۲۹
- د) گروهی از افراد توسط پیامبر اسلام (ص)..... ۳۰
- ذ: کسانی که از سپاه اسامه تخلف کردند..... ۳۴
- نتیجه و خلاصه بحث..... ۳۶
- کتابنامه..... ۳۷

مجموعه کتب علمی

مقدمه

موضوع لعن یکی از مسائلی است که در اصل جواز آن اختلافی بین مسلمانان نیست. آنچه در این میان مورد اختلاف می باشد مصادیق آن هست. و اینکه چه کسانی مستحق لعن هستند. و آیا میشود هرکسی را لعن کرد؟

بدون شک ما مسلمانان قران و سنت را بیان کننده حق میدانیم و برای اثبات درستی و یا نادرستی هر ادعایی در نخستین گام به این دو ثقل اکبر مراجعه میکنیم. ما در این مقاله که بنا بر ایجاز و اختصار میباشد به محضر قران و روایات خواهیم رفت و کلام خدا و رسولش را در این موضوع که چه کسانی مستحق لعن هستند و اینکه اصلا خدا و پیامبر(ص) چه کسانی را لعن کرده بیان خواهیم کرد.

البته این مساله نیاز به بحث گسترده ای دارد که با توجه به شرایط این مقاله مجال پرداختن به آنرا نداریم. از جمله مطرح کردن همه شبهات و جواب از آنها.

ما بحث خود را ضمن سه فصل بیان خواهیم کرد.

و در انتها نیز به نتیجه بحث انشاءالله اشاره میکنیم.

قبل از آغاز بحث لازم میدانم از راهنماییهای استاد بزرگوار جناب آقای لطیفی(دامت برکاته) تقدیر و تشکر کنم.

فصل نخست: تبیین موضوع ملعونین

تعریف ملعونین:

ملعونین اسم مفعول است از ماده لعن یعنی کسی که مورد لعن واقع شده .

لعن در لغت

لعن در لغت به معنای طرد و دور کردن است:

راغب اصفهانی می‌گوید: « لعن به معنای طرد و دور کردن با غضب است . لعن اگر از جانب خدا باشد در آخرت به معنای عقوبت و در دنیا به معنای انقطاع از قبول رحمت و توفیق است . و اگر از انسان باشد به معنای دعا و نفرین و درخواست بر ضرر غیر است.»
مفردات راغب ، ص ۴۷۱ ، ماده لعن)

طریحی می‌گوید: « لعن به معنای طرد از رحمت است» (مجمع البحرین ، ج ۶ ، ص ۳۰۹ ماده لعن)

ابن اثیر می‌گوید: « اصل لعن به معنای طرد و دور کردن از خداست . و از خلق به معنای سبّ و نفرین است.» (النهایه ، ج ۴ ، ص ۳۳۰) غزالی لعن را اینطور تعریف می‌کند: لعن عبارت است از طرد و دور کردن و نفرین و دعای بد.

لعن از نگاه عقلا و عرف

بشر موجودی است که خدای بزرگ او را با ویژگی‌هایی از دیگر موجودات ممتاز فرموده است؛ برترین ویژگی انسان عقل و نیروی خرد اوست که عامل شناخت خوبی از بدی و راه در آغاز سال ۲۰۰۴ میلادی در معبدی به سربازان کشته شده در جنگ جهانی دوم ادای احترام کرد روابط این کشور با چین و کره به شدت تیره شد و رفتار او به عنوان

حمایت از تجاوز و سلطه مورد نکوهش قرار گرفت. (رک پژوهشی در سب و لعن از نگاه عرف قرآن سنت؛ مولف

عبدالریم عباس ابادی)

می کنند. در ادبیات سیاسی و اجتماعی دنیا تأیید یا محکوم نمودن، اهمیت ویژه ای دارد. شاهد این ادعا، آن که پس از گذشت سال های زیادی از جنگ میان چین و ژاپن هنگامی که نخست وزیر ژاپن

سعادت از شقاوت است؛ البته در صورتی که عقل با وحی و دستورات حیات بخش اسلام همراه باشد یافتن راه سعادت قطعی است.

از آنجا که نهاد و عقل بشری به صورت فطری، خوبی ها را پسندیده و بدی ها را ناپسند می داند و پایه بسیاری از قوانین بشری نیز بر خرد و عقل فطری انسان بنا نهاده شده است، بدین جهت نیک و بد بودن یک قانون با معیار عقل ارزیابی می شود چنان که قانون مجازات قاتل و جانی از دیدگاه هیچ عقل و عاقلی بد و ناپسند نیست بلکه رها کردن و عدم مجازات یک جنایتکار ظلم به دیگران و ناپسند است.

از آنجا که عقل فطری هر انسانی اعمال و رفتار ناپسند را قبیح و زشت می داند، چنان که خردمندان از هر انسان ظالم و ستمگری که مرتکب کارهای ناپسند می شود اظهار تنفر و بیزار می جویند. بر این اساس در تمام کشورها چنین اصول و قوانین عقلی و عقلایی وجود دارد؛ هر چند ممکن است در برداشت ها و مصادیق اختلافاتی وجود داشته و یا اشتباهایی صورت گیرد. همه آیین ها در یک اصل متفق اند و آن تنفر از افراد گناه آلود و ستمگر می باشد، هر چند نگاه آنان به گناه و برداشت از آن متفاوت است. از این رو هر آیین بر اساس اصول و باورهای خود، از کسانی که با آن اصول مخالف کرده و خلاف آن

حرکت کنند ابراز تنفر می نماید و برعکس کسانی را که به آن باورها پایبند باشند دوست دارد. بدین جهت پیروان ادیان و مذاهب طبق این اصل از مقدسات خود دفاع می نمایند. بنابراین نفرت، بیزاری و لعن ریشه در عقل و فطرت آدمی دارد نه احساسات غیر منطقی. لعن نوعی محکوم نمودن است و حتی امروزه نیز در سراسر دنیا مردم کارهایی را که نمی پسندند محکوم می کنند، همچنان که برخی از کارهایی را که مثبت می دانند تأیید کرده و از آن حمایت

فلسفه لعن

از آنچه که در بحث های پیش مطرح شد فلسفه لعن روشن می شود، اما از آنجا که از اهمیت خاصی برخوردار می باشد به صورت خاص بدان می پردازیم. نخستین پرسشی که ذهن هر جستجوگر با آن روبرو می شود این است که چرا لعن؟ مگر لعن چه ویژگی یا فایده ای دارد؟ و آیا موجب اختلاف، نزاع و درگیری بین مردم و فرقه های گوناگون نمی شود؟ در تبیین فلسفه لعن شایسته است که آیات قرآن را مورد بررسی قرار دهیم. لعن در قرآن نوع دیگری از مبارزه، برائت و دوری جستن سایر پیامبران الهی و انسان های کامل در طول تاریخ از مظاهر شرک و ستمگران بوده است. از مجموعه آیات چنین به دست می آید که محوریت ایمان و توحید دو چیز است یکی پذیرش ولایت الهی - توّلاً - و دیگری برائت و تنفر به عبارت دیگر مبارزه با ولایت شیطان، ستمگران و طاغوتیان. این آیات وظایف مؤمنان را نسبت به خدا، رسول، اولیای الهی و نسبت به خودشان و دیگر مؤمنان به خوبی روشن می سازد. از این آیات می توان فلسفه لعن در اسلام را به دست آورد. فلسفه لعن را می توان در چند اصل بیان نمود:

لعن مظهر تبری و برائت جستن از کافران و ستمگران است. چرا که یکی از واجبات که در قرآن و سنت به آن سفارش شده محبت دوستان خدا و بغض دشمنان خداست، و از سویی حب و بغض برای خدا نشانه کمال ایمان است؛ «من أحب الله و أبغض الله و أعطى الله فهو ممنكمل ایمانه» وسایل ج ۱۱-باب ۱۵-ص ۴۳۱)

کسی که برای خدا دوست بدارد و برای خدا دشمنی ورزد و برای خدا بخشایش کند ایمانش کامل است. روشن است که دشمنی با دشمنان خدا از راه های گوناگون ممکن است که یکی از آنها لعن و نفرین است.

۲. لعن یک نوع مبارزه با ستمگران است؛ در زمانی که گروهی مورد ستم قرار گرفته و نمی توانند از حقوق خود دفاع نمایند، راهی جز نفرین و لعن ستمگران ندارند. امروزه مسلمانان جهان از آمریکا به راه های گوناگون از جمله لعن و نفرین و یا به عبارت دیگر با شعار مرگ بر آمریکا، ابراز تنفر می نمایند و این خود افزون بر آن که یک نوع مبارزه است، موجب انسجام و اتحاد مسلمانان می شود.

۳. لعن موجب شناخت حق از باطل می گردد.

۴. لعن موجب بازدارندگی و عبرت آموزی است، به عبارت دیگر موجب گرایش به سوی خوبی ها و ابراز بیزاری از بدی ها می شود.

تاریخ گویای این واقعیت است که ستمگران و غارتگران همواره مورد لعن و نفرین توده های مردم قرار داشته و پس از مرگ خود نیز جز نام زشت بر جای نگذاشته اند. از این رو انسان ها بویژه افرادی که زمینه فساد در آنان وجود دارد، گاه با اندیشیدن درباره آینده خود تلاش می کنند مانند ستمگران تاریخ نباشند. نمونه آن رخداد کربلا و مقایسه

شخصیت امام حسین(علیه السلام) با یزید بن معاویه است؛ چرا که یزید پس از قرن ها جز نام بد و لعن و نفرین چیزی برای خود بر جای نگذاشته است؛ در صورتی که امام حسین(علیه السلام) نه تنها همواره مورد سلام و صلوات مردم است بلکه تمام انسان های آزاده می کوشند تا راه، روش و اهداف مقدس ایشان را پی گیری نمایند.

امام صادق(علیه السلام) در روایتی می فرماید: «فأظهروا البراءة و اکثروا من سبهم و القول فیهم و الوقیعة، و باهتوهم کیلا یطمعوا فی الفساد فی الاسلام و یحذرهم الناس و لا یتعلمون من بدعهم...»(همان ج ۱۱ ص ۵۰۸) اهل بدعت و تشکیک را سب و لعن کنید تا طمع نکنند در دین فساد نمایند و همچنین مردم نیز از آنان تأثیر نپذیرند.

از این رو مردم با لعن و نفرین نه تنها سردمداران شر و بدی را از خود دور می سازند بلکه راه و روش آنان را نیز مذمت نموده و در مقابل راه حق، عدالت و تقوا ترویج می شود.

قرآن کریم از قول ابراهیم خلیل می فرماید: (و اذ قال ابراهیم لأبیه و قومه انئی براء مما تعبدون) زخرف/۲۶* و هنگامی که ابراهیم به (نا)پدری خود و قومش گفت: من از آنچه شما می پرستید بیزارم.

در جای دیگر می فرماید: (فلما تبیین له انه عدو لله تبرأ منه ان ابراهیم لأواه حلیم) توبه/۱۱۴* چون برای ابراهیم روشن شد که او دشمن خداست از او بیزارى جست چرا که ابراهیم شخصی بردبار و خداترس بود.

و نیز: (قد كانت لكم أسوة حسنة في إبراهيم والذين معه إذ قالوا لقومهم انا براءوا منكم و
مما تعبدون من دون الله) متحنه/۴* برای شما مؤمنان، ابراهیم و همراهان او الگویی بسیار
خوب هستند، آنان که به

قوم خود گفتند: ما از شما و از آنچه غیر از خدا می پرستید بیزاریم.

حقیقت مبارزه و دوری جستن از مظاهر شرک و ظلم، به گونه دیگری نیز در آیات آمده
است که به برخی از آنها اشاره می شود. این آیات از یک سو مردم را به قرار گرفتن در
لواءی خدا و رسول که از آن به «ولایت» یا «تولّأ» تعبیر می شود فرا می خوانند و از سوی
دیگر یک نوع هشدار را در بر دارد، یعنی به مسلمانان گوشزد می کنند که نباید به دشمنان
خدا و رسول روی آورند و از خدا و رسول روی برگردانند. از این اصل به «تبری» یاد
می شود. بنابراین پذیرش ولایت خدا و رسول از ویژگی های مؤمنان به شمار می آید
چنان که برائت و بیزاری با استفاده از راه های مناسب نیز از ویژگی های مؤمن است.

این آیات به صراحت روشن می کنند که مؤمنان چه کسانی را نباید دوست داشته باشند و
آنان را بر خود مسلط سازند؟ به عبارت دیگر این آیات، مسلمانان را در راستای دوری و
برائت از کافران و ستمگران راهنمایی می کند.

فصل دوم: لعن در نگاه قرآن و معیار آن

قرآن کریم کتاب هدایت، سازندگی و هم زیستی است و در تمام مسایل مورد نیاز بشر اصول و قواعدی را بیان فرموده است، یکی از دستورات قرآن، تبیین رفتار و کردار بشر و ارتباط انسان ها با یکدیگر است. دستورات اخلاقی اسلام و قرآن در جهت هدایت بشر از یک نگاه عقلی و منطقی برخوردار است، چنان که عقل خوبی و زشتی هر چه را درک نماید شرع نیز برای تأکید بر آن و ارشاد مردم دستور خاصی را بیان می فرماید. به عبارت دیگر هم چنان که زشتی ظلم، دروغ و تهمت دارای استدلال عقلی است، شرع مقدس نیز می فرماید: (والله لا يحب الظالمین) آل عمران/۵۷* (و خداوند بپدادگران را دوست نمی دارد) و (ان الله يأمر بالعدل و الاحسان) بقره/۹۰* (در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری فرمان می دهد).

در خصوص لعن نیز دیدگاه قرآن هم سو با نگاه عرفی و عقلانی است و تمایلات طبیعی و فطری بشر

را تأیید می فرماید. یعنی همان گونه که عرف، عقلا و عقل، رفتار ظالم و ستمگر، شیطان، کسانی که جلوی رشد و کمال انسان را گرفته و موجب نابودی حرث و نسل می گردند و نشر دهندگان فساد را محکوم می نماید و از کسانی که به آنها مبادرت می ورزند بیزار می جوید، قرآن نیز این گونه افراد را محکوم و لعن نموده و از مسلمانان خواسته است راه چنین گروه هایی را نپیموده و آنان را از جامعه اسلامی دور سازند.

مصادیق ملعونین در قرآن

در اینجا لازم است گروه های مختلفی را که قرآن کریم از آنان یاد نموده و مشمول لعن و

نفرین قرار گرفته اند، مورد بررسی قرار دهیم.

گروه هایی که مورد لعن واقع شده اند عبارت اند از:

شیاطین؛

کافران؛

کتمان کنندگان حقایق؛

آزار دهندگان رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم)؛

ستمکاران؛

فسادگران در زمین؛

نسبت دهندگان دروغ به خداوند بزرگ؛

رهبرانی که مردم را به سوی آتش فرا می خوانند؛

نسبت دهندگان به فحشا - زنا و ... - .

شیطان

از آن جا که سرچشمه همه شرور و بدی ها شیطان است و شیطان سمبل ظلم، دروغ، تمرد

و تکبر در برابر حق است، قرآن کریم لعنت الهی را از ابلیس و شیطان آغاز نموده است،

چرا که او نخستین متمرّدی بود که از دستور الهی در سجده بر آدم سرپیچی نمود و

مشمول لعن ابدی گردید؛ (و انّ علیک لعنتی الی یوم الدین) ص/۷۸* لعنت من تا روز قیامت

بر تو - شیطان - است.

آیات فراوانی درباره دوری شیطان از پیشگاه خداوند و رحمت او وجود دارد، البته شایسته توجه است همان گونه که علت رانده شدن شیطان تمرد و سرپیچی از دستور الهی و تکبر در برابر حق بوده، هر کسی خواه از جن یا انس، ویژگی های شیطان را داشته باشد، با شیطان تشابه پیدا می کند و شاید از این جهت گفته شده: «شیاطین جن و انس». بنابراین هر کسی در شرور و بدی غوطه‌ور شود چهره شیطانی به خود می گیرد و حکم لعن و رانده شدن از درگاه الهی او را در برمی گیرد و همان گونه که شیطان از درگاه الهی رانده شد، انسانی که از ویژگی های شیطانی برخوردار باشد مورد لعن الهی قرار می گیرد. این مطلب از لعن های دیگر نیز به دست می آید چنان که در آیات دیگر نیز گروه هایی - مسلمان یا کافر - مورد لعن واقع شده اند که در زندگی فردی و جمعی از ویژگی های شیطانی برخوردار بوده اند.

کافران

دومین گروهی که به لعن الهی گرفتار شده اند کافران هستند، یعنی کسانی که به جای عبودیت و بندگی خدای بزرگ، مانند شیطان از فرمان الهی سرپیچی نموده و به حضرتش کفر ورزیدند و حال آن که هر چه دارند از آفریننده عالم است. در این باره آیات فراوانی وجود دارد؛ بنگرید:

(ان الله لعن الكافرين و أعدّ لهم سعيراً) احزاب/۶۴ * خدای بزرگ کافران را لعنت نموده و برای آنان عذاب سختی را آماده نموده است.

لعن الذين كفروا من بنى اسرائيل على لسان داود و عيسى بن مريم ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون) مائده/۷۸* کافران از بنی اسرائیل با زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعن قرار گرفتند، و این نفرین به خاطر معصیت و تجاوزگری آنان بود.

انّ الذين كفروا و ماتوا و هم كفار اولئك عليهم لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعين) بقره/۱۶۱* همانا کسانی که کفر ورزیدند و در همان کفرشان مردند، لعنت خداوند و همه فرشتگان و مردم بر آنها باد.

فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به فلعنة الله على الكافرين) بقره/۸۹* هنگامی که آمد به سوی آنها آنچه که آن را می شناختند به آن کفر ورزیدند، پس لعنت خداوند بر کافران.

و قال انما اتخذتم من دون الله اوثاناً مودةً بينكم في الحيوۃ الدنيا ثم يوم القيامة يكفر بعضكم ببعض و يلعن بعضكم بعضاً و مأويكم النار و مالكم من ناصرين) عنكبوت/۲۵ ابراهیم گفت: شما غیر از خدا بت هایی برای خود برگزیده اید که مایه دوستی و محبت میان شما و زندگی دنیاست، سپس روز قیامت هر یک بر دیگری کافر می شوید و یکدیگر را لعن می کنید و جایگاه شما آتش است و هیچ یار و یآوری نخواهید داشت.

(يوم تقلب و جوههم في النار يقولون يا ليتنا اطعنا الله و اطعنا الرسولا و قالوا ربنا انا اطعنا سادتنا و كبراءنا فاضلونا السبيلا ربنا آتهم ضعفين من العذاب و العنهم لعناً كبيراً) احزاب/۶۸* در آن روز که صورت های آنها در آتش دگرگون خواهد شد - از کار خود پشیمان می شوند - و می گویند ای کاش خدا و پیامبر را اطاعت می کردیم و می گویند: پروردگارا! ما از مهتران و بزرگان خود اطاعت کردیم و آنها ما را گمراه ساختند. پروردگارا! آنها را عذاب دو چندان ده و آنها را به لعن بزرگی گرفتار نما.

اهل کتاب

این اصطلاح برای کسانی به کار برده می شود که به خدا و پاره ای از پیامبرانی که دارای کتاب الهی هستند اعتقاد دارند، در عین حال به پیامبری خاتم رسولان، حضرت محمد بن عبدالله سر تسلیم فرود نیاورده اند.

قرآن کریم درباره آنان می فرماید:

(ألم تر الى الذين أوتوا نصيباً من الكتاب يؤمنون بالجبت والطاغوت و يقولون للذين كفروا هؤلاء أهدى من الذين آمنوا سبيلاً أولئك الذين لعنهم الله و من يلعن الله فلن تجد له نصيراً) نساء/۵۱-۵۲* آیا نمی بینی کسانی که به آنان نصیبی از کتاب داده شده - اهل کتاب - به جبت و طاغوت - بت ها - ایمان آورده اند و در مورد کفار می گویند که راه آنها هدایت کننده تر از راه مؤمنان است. آنها کسانی هستند که خداوند آنها را لعنت می کند و کسی که خدا لعنتش کند یاوری برای او نمی یابی.

(فبما نقضهم ميثاقهم لعناهم وجعلنا قلوبهم قاسية يحرفون الكلم عن مواضعه و نسوا حظاً مما ذكروا

به) مائده/۱۳* پس چون - بنی اسرائیل - پیمان شکستند، آنان را لعنت کردیم و دل هایشان را سخت گردانیدیم چنان که موعظه در آنها اثر نکرد. آنها کلمات خدا را از جای خود تغییر می دادند، و از بهره بزرگ آن کلمات که به آنها پند می داد - در تورات - خود را محروم ساختند.

(و قالت اليهود يد الله مغلولة غلت أيديهم و لعنوا بما قالوا بل يداه مبسوطتان ينفق كيف يشاء...) مائده/۶۴* یهودیان گفتند: دست خدا بسته است، دیگر تغییری در خلق نمی دهد و چیزی را از عدم به وجود نمی آورد! به واسطه این گفتار دروغ، دست آنها بسته شده و به

لعن خدا گرفتار گردیده اند. همانا دو دست خدا گشاده است و هر گونه بخواهد انفاق می کند.

(ان الذین یکتُمون ما انزلنا من البینات و الہدی من بعد ما بینا للناس من فی کتاب اولئک یلعنہم اللہ و یلعنہم اللعنون) بقره/۱۵۹* آن گروه از اهل کتاب که آیات و دلایل روشن و رهنمودی را که فرو فرستادیم، بعد از آن که برای مردم در کتاب توضیح داده ایم، نهفته می دارند، آنان را خداوند لعنت می کند و لعنت کنندگان لعنتشان می کنند

آزاردهندگان خدا و رسول خدا

(ان الذین یؤذون اللہ و رسولہ لعنہم اللہ فی الدنیا و الآخرة و اعدّ لہم عذاباً مہیناً) احزاب/۵۷* همانا کسانی که خداوند و رسولش را اذیت می کنند خداوند آنها را در دنیا و آخرت لعنت می فرستد - از رحمت خود دور ساخته - و برای آنها عذاب خوار کننده ای مهیا کرده است. همچنین پیش از این آیه می فرماید: (انّ اللہ و ملائکتہ یصلّون علی النبی یا ایہا الذین آمنوا صلّوا علیہ و سلّموا تسلیماً) احزاب/۵۶* ، مقام پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم) آن قدر والا و بلند است که آفریدگار عالم هستی و تمام فرشتگانی که تدبیر این جهان به فرمان حق بر عهده آنها گذارده شده است، بر او درود می فرستند، پس ای آدمیان شما نیز با این پیام جهان هستی هماهنگ شوید و ای کسانی که ایمان آورده اید بر او درود بفرستید و سلام بگویید و در برابر فرمان او تسلیم باشید.

هرگاه صلوات، به خدا نسبت داده شود به معنای فرستادن رحمت است، و هرگاه به فرشتگان و مؤمنان منسوب گردد به معنای طلب رحمت می باشد. از سویی فعل مضارع «یصلّون» بر استمرار دلالت دارد. همچنین درباره چگونگی صلوات بر پیامبر (صلی اللہ علیہ و آلہ

وسلم) از خود آن حضرت پرسیده شد، فرمود: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد كما صلیت علی ابراهیم انک حمید مجید، و بارک علی محمد و آل محمد كما بارکت علی

ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید» (مجمع البیان ذیل آیه و تفسیر نمونه)

آیه (انّ الذین یؤذون الله و رسوله) نقطه مقابل آیه صلوات می باشد، یعنی کسانی که خدا و پیامبرش را ایذا و اذیت نمایند خداوند آنان را در دنیا و آخرت از رحمت خود دور می سازد و برای آنان عذاب خوار کننده ای فراهم آورده است.

البته باید توجه نمود که «ایذا»ی خداوند به چه معناست؟ بعضی در این باره گفته اند که ایذای خداوند به معنای کفر و الحاد است و برخی دیگر می گویند: همان ایذای پیامبر و مؤمنان است. آنچه مسلم است ایذا و آزار مفهوم وسیعی دارد؛ خواه کفر و الحاد باشد و یا نسبت های ناروا، تهمت، ایجاد مزاحمت و... چنان که در آیه دیگری می فرماید: (انّ ذلکم کان یؤذی النبی) احزاب/۵۳* این کار شما پیامبر را آزار می دهد. در سوره توبه نیز آمده است: (و منهم الذین یؤذون النبی و یقولون هو اذن) توبه/۶۱* گروهی از آنها پیامبر را آزار می دهند و می گویند او آدم خوش باوری است که گوش به حرف هر کس می دهد. آنان پیامبر اسلام را به خاطر انعطافی که در برابر سخنان مردم نشان می داد به خوش باوری و ساده دلی متهم می کردند.

همچنین در برخی روایات شیعه و اهل سنت در خصوص مقام حضرت زهرا آمده است رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «فاطمه بضعة منی فمن أغضبها أغضبی» فاطمه پاره تن من است هر کس او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است. (صحیح بخاری

و در جای دیگر فرمود: «ان فاطمة مني يؤذيني ما آذاها» فاطمه پاره تن من است هر چه او را آزار دهد مرا می آزارد. (صحیح مسلم باب فضائل فاطمه)

۲- (اولئك الذين لعنهم الله فأصمهم و اعمى أبصارهم) محمد/۲۹* آنان - منافقان - را خداوند لعن کرده و گوش و چشمانشان را کور و کر گردانیده است.

قتل عمد مؤمن

(و من يقتل مؤمناً متعمداً فجزاءه جهنم خالداً... و غضب الله عليه و لعنه و أعد له عذاباً عظيماً) نساء/۹۳* هر کس به عمد مؤمنی را بکشد جزای او جهنم است که جاودانه در آن خواهد ماند و خدا بر او خشم گیرد، او را لعنت کند و عذابی شدید برای او مهیا ساخته است.

. (فأذن مؤذن بينهم ان لعنة الله على الظالمين) اعراف/۴۴* پس ندا داد ندا دهنده ای - در بهشت - که لعنت خداوند بر ستمگران باد.

(ألا لعنة الله على الظالمين) هود/۱۸* آگاه باشید که لعنت خداوند بر ظالمان و ستمگران است. (يوم لا ينفع الظالمين معذرتهم و لهم اللعنة و لهم سوء الدار) غافر/۵۲* در آن روز ستمکاران را پوزششان سود ندهد و برای آنها خشم و لعنت و منزلگاه بدی مهیا شده است.

(و تلك عادٌ جحدوا بايات ربهم و عصوا رُسُلَهُ و اتبعوا أمر كل جبار عنيد و أتبعوا في هذه الدنيا لعنة و يوم القيامة ألا ان عاداً كفروا ربهم ألا بعداً لعاد قوم هود) هود/۵۹-۶۰* و این قوم عاد آیات پروردگارشان را انکار کردند و بر رسولان عصیان نموده و از دستور هر فرمانده خیره سری تبعیت کردند. پس در این دنیا و در روز قیامت نصیبشان لعنت است؛ همانا قوم عاد به پروردگارشان کفر ورزیدند هان مرگ بر عادیان: قوم هود.

فسادگران در زمین

ستمگران

(و يفسدون في الأرض أولئك لهم اللعنة و لهم سوء الدار) رعد/۲۵* و فساد می کنند در زمین، برایشان لعنت است و بد جایگاهی.

دروغگویان

(و من أظلم ممن افترى على الله كذباً أولئك يعرضون على ربهم و يقول الأشهاد و هؤلاء الذين كذبوا على ربهم ألا لعنة الله على الظالمين) هود/۱۸* و کیست ستمکارتر از آنکه بر خدا دروغ بندد، آنان عرضه می شوند بر پروردگار خویش و شاهدان می گویند: اینها ایند، آنان که بر پروردگار خویش دروغ بستند، همانا لعنت خداوند بر ستمکاران باد.

(فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابناكم و نسائنا و نساءكم و انفسنا و انفسكم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين) آل عمران/۶۱* پس هر که با تو در آن - حق - بعد از آنکه علم آن به تو رسیده محاجه و ستیزه کند، پس بگو بیایید، بخوانیم فرزندان ما و فرزندان شما را و زنان ما و زنان شما را و خودمان و خودتان را. سپس نفرین کنیم و لعنت خداوند را بر دروغ گویان خواستار شویم.

(و الخامسة ان لعنة الله عليه ان كان من الكاذبين) نور/۷* و در مرتبه پنجم بگوید: لعنت خدا بر او باد اگر از دروغ گویان باشد.

رهبرانی که مردم را به آتش فرا می خوانند

(و جعلناهم ائمة يدعون الى النار و يوم القيامة لا ينجون و أتبعناهم في هذه الدنيا لعنة و يوم القيامة هم من المقبوحين) قصص/۴۱-۴۲* و ما آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به سوی

آتش فرا می خوانند و روز رستاخیز یاری نخواهند شد. در این دنیا - در نتیجه اعمالشان - لعنت ابدی نصیبشان کردیم و در روز قیامت از زشت رویانند.

نسبت دهندگان به زنا

(انّ الذین یرمون المحصنات الغافلات المؤمنات لعنوا فی الدنیا و الآخرة و لهم عذاب عظیم) نور/۲۳* کسانی که زنان پاکدامن و بی خبر - از هر گونه آلودگی - و مؤمن را متهم می کنند، در دنیا و آخرت از رحمت الهی بدورند، و عذابی بزرگ در انتظار آنان است.

شجره ملعونه در قرآن

(و اذ قلنا لک ان ربک أحاط بالناس و ما جعلنا الرؤیا التي أریناک الا فتنة للناس و الشجرة الملعونة فی القرآن) اسراء/۶۰* ما آن رؤیایی را که به تو نشان دادیم فقط برای آزمایش مردم بود، همچنین شجره ملعونه را که در قرآن ذکر کردیم.

مقصود از شجره ملعونه یا درخت نفرین شده چیست؟ آیا مقصود از آن درختی است که از رحمت الهی دور شده یا این عبارت کنایی حکایت از واقعیت دیگری دارد؛ البته در آیه دیگری از قرآن مجید از درخت زقوم به فتنه توصیف شده است؛ (أم شجرة الزقوم انّا جعلناها فتنةً للظالمین) صافات/۶۲-۶۳* (یا درخت زقوم در حقیقت ما آن را برای ستمگران «مایه آزمایش و» عذابی گردانیدیم) اما تنها آیه ای که در آن شجره ملعونه به کار رفته همین آیه است که در آن قصه رؤیا و شجره ملعونه به صورت مجمل بیان شده است.

در مواردی که پیش تر یاد شد شیطان، کافران و... مورد لعن واقع شده اند. همچنین شجره به چیزی گفته می شود که دارای ساق، ریشه و برگ باشد، از این رو هرگاه گفته شود فلانی از شجره مبارکی است یعنی از اصل و ریشه مبارکی است، چنان که پیامبر(صلی الله

علیه وآله وسلم) فرمود: «أنا و علی من شجرة واحدة» کنز العمال ج ۱۱ ص ۶۰۸ ح/ش ۳۲۹۴۳*، من و علی از یک درخت هستیم. کسی که در این آیه و آیات دیگر تأمل کند به خوبی در می یابد که مقصود از شجره ملعونه گروهی هستند که در قرآن مورد لعن قرار گرفته اند. این درخت، رشد و نمو پیدا کرده و دارای شاخه هایی شده است اما اصل و ریشه همه آنها یکی است. این گروه موجب فتنه امت اسلامی می شوند. و دین و دنیای مردم را به فساد می کشانند. این ویژگی تنها بر سه طایفه قابل تطبیق است؛ اهل کتاب، مشرکان و منافقان.

مشرکان و اهل کتاب در زمان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)، چه پیش از هجرت و چه پس از آن چنین ویژگی ای نداشتند چنان که آیه (الیوم یئس الذین کفروا من دینکم... مائده/۳)* (امروز کسانی که کافر شده اند از «کارشکنی در» دین شما نومید گردیده اند) ثابت می کند که مسلمانان از شر آنان در امان بوده اند، اما منافقان همواره به اسلام تظاهر نموده و در بین مسلمانان از راه نسل و یا عقیده نفوذ کردند. این آیه در مقام بیان تسلی و اطمینان دادن به پیامبر است که آنچه در خواب دیده، سنت الهی است که برای امتحان بندگانش می باشد.

برخی از مفسران با استناد به روایت ابن عباس «رؤیا» را «اسرا» و «شجره ملعونه» را «شجره زقوم» دانسته اند. یعنی پس از مراجعت از معراج و انتشار آن، گروهی از مشرکان آن را دروغ دانسته و به استهزا و مسخره گرفتند، چنان که مشرکان پس از بیان شجره زقوم، آن را تکذیب کردند. از این رو چون معراج در بیداری بوده است این مفسران چاره ای ندیدند جز آن که رؤیا را به رؤیت و دیدن معنا نمایند تا اختصاص به خواب

نداشته باشد و گاهی می گویند رؤیا چیزی است که انسان در شب ببیند خواه در خواب باشد یا بیداری، برخی گفته اند که معراج در خواب بوده است.

مرحوم علامه طباطبایی می نویسد: این مطالب هیچ کدام مستند صحیح ندارد. (المیزان ج ۱۵ ذیل ایه) روایات شیعه و اهل سنت مدعای علامه طباطبایی را ثابت می کند.

سیوطی، از سهل بن سعد روایت می کند: «قال رأى رسول الله (صلى الله عليه وآله وسلم) بنى فلان ينزون على منبره نزو القردة فساء ذلك فما استجمع ضاحكاً حتى مات فأنزل الله، و ما جعلنا الرؤيا التي أريناك فتنة للناس» (مجمع الزوائد هبشمى ج ۵ ص ۲۴۳) رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) در خواب دید که فرزندان فلانی مانند میمون از منبر بالا رفته و پایین می آیند از این جهت ناراحت بود، به گونه ای

که پس از آن خنده بر لب مبارکشان نیامد تا از دنیا رحلت فرمود و خداوند آیه (و ما جعلنا الرؤيا) را نازل فرمود.

همچنین از عبدالله بن عمر روایت می کند: «ان النبي قال رأيت ولدا لحكم بن أبى العاص على المنابر كأنهم القردة و انزل الله فى ذلك، (و ما جعلنا الرؤيا)»؛ پیامبر (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: پسران حکم بن ابوالعاص را دیدم که به مانند میمون از منبرها بالا رفته اند، خداوند این آیه را نازل فرمود. در روایت آمده است که پیامبر فرمود: «ويلٌ لأمتي مما فى صلب هذا» (وای بر اتمم از آنچه در صلب این مرد «حکم بن ابوالعاص»

است) (مستدرک حاکم ج ۴ ص ۴۸۱ و اسد الغابه ج ۲ ص ۳۴)

مناقان

(لئن لم ينته المنافقون و الذين في قلوبهم مرض و المرجفون في المدينة لنگرينك بهم ثم لا يجاورونك فيه الا قليلاً ملعونين اينما ثقفوا أخذوا وقتلوا تقتيلاً) احزاب/ ۶۰ و ۶۱* اگر منافقان و آنها که در دل هایشان بیماری است و همچنين آنها که اخبار دروغ و شایعات بی اساس را در مدینه پخش می کنند، دست از کار خود بردارند، تو را بر ضد آنها می شورانیم، سپس جز مدت کوتاهی نمی توانند در کنار تو در این شهر بمانند. و از همه جا طرد می شوند، هر جا یافت شوند گرفته خواهند شد و به قتل خواهند رسید.

ابو هريره می گوید پیامبر(صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: «رأيت في النوم بني الحكم او بني ابي العاص ينزون على منبري كما تنزوا القرده...» (تاريخ دمشق، ج ۶۰، ص ۲۲۵؛ نقل از دلائل النبوة، ج ۶، ص ۵۱۱) ابوهريه می گوید: پیامبر(صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: در خواب دیدم که فرزندان حکم یا ابي العاص از منبرم مانند میمون بالا رفته و پايين می آیند سپس می گوید: پس از آن تا هنگام وفات خنده ای بر لب آن حضرت دیده نشد.

سعید بن مسیب می گوید: «رأى النبي(صلى الله عليه وآله وسلم) بنى أمية على منبره فساء ذلك

فأوحى الله اليه: انما هي دنيا أعطوها، فقرت عينه، و هي قوله: و ما جعلنا الرؤيا التي أريناك الا فتنة للناس يعني بلاء للناس» (همان).

در این باره روایات فراوانی در تاریخ دمشق به نقل از کتاب های حدیثی اهل سنت ذکر شده است.

ویژگی ملعونین در قرآن

با توجه به بیان قرآن در باره ملعونین این مشخصات برای آنها ثابت میشود:

تمرد، لجاجت و عدم اطاعت دستورات الهی

پنهان کردن حقایق؛

آزار و اذیت پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)؛

ستم و ستمگری؛

فسادگری در زمین؛

دروغ بر خدای بزرگ؛

نسبت فحشا به کسی؛

و...

در این کتاب
کلمه‌های
پندگشا

فصل سوم: ملعونین از نگاه روایات

همان طوری که پیش تر بیان شد در قرآن تنها لعن افراد و گروههایی جایز است که دارای مشخصات خاصی هستند. در روایات نیز معیار لعن به صورت روشن بیان شده، چنان که هر کس آن معیارها را در خود جمع کند، مورد لعن پیامبران و مؤمنان قرار می گیرد اما در غیر این صورت جایز نیست کسی لعن شود. بدین جهت در روایات پرهیز از لعن یک دستور اخلاقی شمرده شده و گفته شده است یکی از ویژگی های مؤمن و مسلمان آن است که زبان خود را از سخنان ناپسند و دست خود را از تجاوز به حقوق دیگران نگه دارد؛ «المسلم من سلم المسلمون من یده و لسانه» و هرگز نسبت به مؤمنان و مسلمانان بلکه دشمنان خود سخن ناروا نگوید و آنان را لعن و نفرین نکند.

اقسام ملعونین در روایات صادره از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) :

الف) گروه های مختلف

پیامبر اسلام چند گروه را لعن کرده اند:

کسی که در کتاب خدا چیزی بیفزاید؛

کسی که قضا و قدر الهی را انکار نماید؛

کسی که با سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مخالفت کند؛

کسی که حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام کند؛

کسی که با زور سر نیزه و حکومت استبدادی بر امور مردم مسلط شود؛

کسی که اموال و ثروت های عمومی و ملی را به غارت برد و حیف و میل نماید (بحار الانوار

ج ۵ ص ۸۸۰.

ب) بدعت گذاران و فرقه های مرجئه و قدریه

پیامبر فرمود: «ان الله عزوجل لم يبعث نبياً قبلي الا كان في أمته من بعده مرجئاً و قدریةً يشوشون عليه أمر أمته من بعده ألا ان الله عزوجل لعن المرجئ و القدریة علی لسان سبعین نبياً...» کنز العمال ج ۱ ص ۱۳۵) خدای عزوجل پیش از من پیامبری را مبعوث نفرمود جز آن که پس از ایشان در امتش دو فرقه به نام مرجئه و قدریه پدید آمد که امر امت را مخشوش و تحریف نمایند، پس خداوند بزرگ این دو فرقه را با زبان هفتاد پیامبر لعن کرده است.

در روایت دیگری آمده است: «صنفان من امتی لعنهم الله علی لسان سبعین نبياً القدریة و المرجئه الذین یقولون الایمان اقرار لیس فیه عمل» (همان) دو گروه از امت من مشمول لعن الهی قرار گرفته اند، قدریه و مرجئه، آنان که می گویند ایمان تنها اعترافی است که همراه عمل نباشد..

از این روایات چنین برداشت می شود که لعن گروه ها و افرادی که از ویژگی های یاد شده در روایات برخوردار هستند جایز است. این گروه ها از اصل محبت و دوستی استثنا شده اند. این افراد را می توان به دو دسته تقسیم نمود؛ نخست، مؤمنی که آشکارا مرتکب فسق و گناه می شود و چون با انجام محرمات، احترام خود را از دست داده، غیبت او نیز حرمت ندارد؛ البته گناهی که در پنهانی انجام داده و کسی بر آن آگاه نشده موجب لعن نمی باشد.

دوم، مبدع و بدعت گذار در دین؛ چنان که دوری و براءت از او بر هر مؤمنی واجب است. به این حقیقت در روایات فراوانی پرداخته شده که به برخی از آنها اشاره می شود:

امام صادق(علیه السلام)روایت می کند که پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم)فرمود: «اذا رأیتم اهل الريب و البدع من بعدی فأظهروا البراءة منهم و أكثروا من سبهم و القول فیهم و الوقیعة و باهتوهم کی لا یطمعوا فی الفساد فی الاسلام، و یحذرهم الناس و لا یتعلمهم من بدعهم ینکتب الله لهم بذلك الحسنات و یرفع لکم به الدرجات فی الآخرة»(وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۲۶۷) هرگاه پس از من بدعت گذار و اهل تشکیک را دیدید، بسیار از آنان براءت جسته و غیبتشان نمایید و آنها را دشنام دهید، تا به فساد در دین طمع نورزیده و تشویق نشوند. مردم از آنان بر حذر باشند و از بدعت های آنان تأثیر نپذیرند، خداوند برای چنین افرادی که با اهل بدعت مبارزه نمایند، حسنه می نویسد و در آخرت از مقام والایی برخوردار خواهند بود.

رسول خدا(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «اذا ظهرت البدع فی أمتی فلیظهر العالم علمه، فمن لم یفعل فعلیه لعنة الله»(وسائل ج ۱۱ باب ۴۰ ص ۵۱۰) هرگاه بدعت در میان امت من آشکار شود بایستی علما علم خود را آشکار نمایند و گرنه مشمول لعنت الهی می شوند.

ج) معصیت کاران مورد لعن زمین

ابو دردا می گوید: «ما لعن أحد الأرض الا قالت: لعن الله أعصانا لله»(صحیح مسلم ج ۸ ص ۲۳) هیچ کس زمین را لعن نکرد جز آن که زمین خواهد گفت: خداوند لعنت کند معصیت کار را که نافرمانی خدا را انجام می دهد.

در روایات فراوانی گروهی از افراد که مرتکب اعمال زیر می شوند مشمول لعنت الهی قرار گرفته اند، این افراد عبارتند از:

ربا و کسی که از آن استفاده نماید. همچنین شاهد و نویسنده ربا و رباخواری مورد لعن

قرار گرفته است. (الجامع الصغير، جلال الدین سیوطی، ج ۲، ص ۴۹۰)

کسانی که بین مادر و فرزند، و خواهر و برادر جدایی می اندازند؛ «لعن الله من فرق بين

الوالدة و ولدها و بين الأخ و أخته» (همان)

رشوه دهنده و رشوه گیرنده؛ «لعنة الله على الراشي و المرتشي». (همان)

کسی که صورت خود را زخمی نماید، گریبان پاره کند و در مصیبت و گرفتاری ها فریاد

برآورد؛ «لعن الله الخامشة وجهها، و الشاقة جيشها، و الداعية بالويل و الثبور». (همان)

شراب و نوشنده، فروشنده و خریدار آن و نیز کسی که آن را به دست آورد، حمل کند و

خورنده پول آن؛ «لعن الله الخمر، و شاربها، و ساقیها و بائعها، و مبتاعها، و عاصرها و

معتصرها و حاملها و المحمولة اليها، و آكل ثمنها». (همان)

مردی که لباس زن بپوشد و عکس آن؛ (لعن رسول الله الرجل يلبس لبسة المرأة، و المرأة

تلبس لبسة الرجل) (مسند احمد ج ۲ ص ۳۲۵)

روایات فراوان دیگری نیز وجود دارد که در آنها مرتکبان برخی از اعمال لعنت شده اند.

از این روایات استفاده می شود که گناهان گوناگونی که انسان مرتکب می شود بویژه

گناهان کبیره و بزرگ، موجب دوری از رحمت و قرب الهی گردیده و عذاب الهی را

نزدیک می کند چرا که ملعون معنایی جز این ندارد

د) گروهی از افراد توسط پیامبر اسلام (ص)

در روایات فراوانی از طریق شیعه و اهل سنت آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله

وسلم) افراد و گروه هایی را لعن و نفرین کرده اند. در این جا به چند مورد اشاره می شود:

ابوسفیان همراه معاویه به سوی پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) می آمدند، آن حضرت فرمود: «اللهم العن التابع و المتبوع، اللهم عليك بالأقيعس، قال ابن البراء لأبيه: من الأقيعس؟ قال: معاويه»؛ بار خدایا جلودار و پیرو را لعنت کن، خدایا اقیعس را به تو واگذار می کنم، ابن براء می گوید: به پدرم گفتم اقیعس کیست؟ پاسخ داد:

معاویه، الاستیعاب، ج ۱، ص ۲۱۷؛ سیره حلبیه، ج ۱، ص ۳۱۷ و الغدير، ج ۸، ص ۲۴۵

در روایت دیگری آمده است که علی بن اقمر می گوید همراه با گروهی از عبدالله عمر خواستیم ما را حدیث گوید او گفت: پیامبر درباره ابوسفیان در حالی که سوار بر مرکبی بود و معاویه و برادرش از پیش و از پس او در حرکت بودند، فرمود: «اللهم العن القائد و السائق و الراكب، قلنا أنت سمعت رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم)؟ قال نعم، و الآفصمنا أذنای، كما عُميتا عینای» خدایا لعن فرما جلودار، پیرو و سواره را پرسیدیم که تو از رسول خدا شنیدی؟ گفت: آری، و چنان چه دروغ بگویم دو گوشم کرباد، چنان که دو چشم نابینا باد. . . وقعة الصفین، ص ۲۱۷.

محمد بن ابوبکر در نامه ای خطاب به معاویه نوشت: «و قد رأيتك شاميةً و أنت أنت، و هو هو أصدق الناس نيةً و افضل الناس ذريةً، و خير الناس زوجةً، و أنت اللعين بن اللعين، لم تزل أنت و ابوک تبغیان لرسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) الغوائل، و تجهدان فی اطفاء نور الله...» تو را دیدم؛ اما علی صادق ترین مردم در نیت است، و برترین ذریه است در بین مردم، بهترین مردم است از حیث همسر و تو ملعون و نفرین شده و پسر نفرین شده ای - توسط پیامبر نفرین شده ای - همواره تو و پدرت علیه رسول خدا طغیان نموده و در جهت خاموشی نور خدا تلاش می کرد.

در صحیح مسلم و سایر کتاب های حدیثی اهل سنت پاره ای از روایات آمده است که پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) افرادی را لعن و نفرین نموده اند. عنوان روایات این است «باب من لعنه النبی (صلی الله علیه و آله وسلم) او سبّه او دعا علیه و لیس هو اهلاً لذلک کان له زکاة و أجراً و رحمة»؛ یعنی در این قسمت، روایاتی آورده شده که پیامبر اسلام در آنها کسانی را که استحقاق لعن نداشته، لعن یا سب یا نفرین نموده، که اینها برای شخص ملعون موجب پاکی، پاداش و رحمت می گردد!!

از ابوهیرره روایت شده است که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: «اللهم إنما أنا بشر فأیما رجل من المسلمین سببته او لعنته او جلدته فاجعلها له زکاة و رحمة». مسند احمد، ج ۲، ص ۴۹۶

در صحیح بخاری نیز این گونه روایات آورده شده است. عبدالله عمر می گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در روز جنگ احد پس از مجروح شدن و شکسته شدن دندان مبارکش و همچنین مثله نمودن جنازه عمویش حمزه چنین نفرین نمود: «اللهم العن أباسفیان، اللهم العن الحارث بن هشام، اللهم العن سهیل بن عمرو، اللهم العن صفوان بن أمیه» (مسند احمد، ج ۲، ص ۹۳) آن گاه از خداوند درخواست نمود که جزای چنین اعمالی را به بالاترین وجه به آنان دهد.

در صحیح مسلم از عایشه روایت می کند: «دخل علی رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) رجلان فکلّماه شیء لا أدری ما هو فأغضباه فلعنهما و سبّهما، فلما خرّجا قلت یا رسول الله ما أصابا من الخیر شیئاً؟ قال: و ما ذاک؟ قلت: لعنتهما و سبّتهما، قال: أو ما علمت ما شارطت ربّی علیه؟ قلت: اللهم انما أنا بشر، فأی المسلمین لعنة او سببته فاجعله زکاة و

أجراً» (صحیح مسلم، ج ۸، ص ۲۴) دو نفر به محضر رسول خدا آمدند و با آن حضرت گفتگو کردند که من از آن چیزی نفهمیدم. آن گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ناراحت شده و آن دو را لعن و سب نمود. پس از آن که بیرون رفتند عرض کردم ای رسول خدا! این دو نفر خیری نخواهند دید. فرمود: چرا؟ عرض کردم شما آنان را لعن نموده و دشنام دادید. فرمود: آیا نمی دانی آنچه را با پروردگارم شرط کردم؟ - یعنی - خدایا من بشری هستم، پس هر مسلمانی را که لعن یا سب نمودم برای او مایه پاکی و اجر قرار ده! اما محدثان اهل سنت در این گونه روایت تصرف نموده و آنها را به صورت خاصی توجیه می کنند.

در صحیح مسلم بابی وجود دارد تحت عنوان: «وجوب امثال ما قاله (صلی الله علیه و آله وسلم) شرعاً، دون ما ذكره من معایش الدنيا من سبیل الرأی، و من اطع علی هذه الروایات التي دونت فی كل تواليف الحديث - و فی مقدمتها البخاری و مسلم - يعرف انه (صلی الله علیه و آله وسلم) اجتهد فاستغفر لبعض المنافقين و اجتهد فصلی علیه فعاتبه الله علی ذلك بل ربما يسترسل فی تخریجها فیری انه (صلی الله علیه و آله وسلم) اجتهد فوق ذلك فی فهم القرآن و ان فهم غیره كان هو الصواب».

کسی که اندک شناختی از عظمت پیامبر اسلام و معرفی آن حضرت به وسیله وحی الهی داشته باشد، این نکته را به خوبی درک می کند که این گونه روایات چرا در منابع حدیثی اهل سنت راه یافته است؟ این روایات نه تنها با نص قرآن مخالفت دارد، بلکه مقام آن حضرت را از یک انسان معمولی و عادی نیز پایین تر می آورد. چگونه است که یک انسان معمولی هیچ گاه کسی را که دشنام می دهد یا لعن می کند، مشمول دعای خویش

نمی سازد چه رسد به پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) که از عظمت بسیار والایی در پیشگاه خداوند برخوردار است.

پذیرش این گونه روایات مستلزم گمان به این است که پیامبر اسلام - نعوذبالله - بدون فکر و اندیشه سخن می گفته و از این رو اشتباهات فراوانی مرتکب شده است و چنانچه این احادیث درست باشد، مردم چگونه به کسی اعتماد نمایند که در یک لحظه دو سخن متضاد و ناهمگون می گوید. قرآن کریم می فرماید: (وما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی). (نجم/۱۰)

هر چند پاره ای از اهل سنت می خواهند با بهره گیری از این روایات، اجتهاد پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) را اثبات نمایند، اما طرح این بحث، انحرافی است چرا که پیامبر(صلی الله علیه وآله وسلم) که خاتم پیامبران الهی است همیشه از جانب خداوند امداد و کمک می شده، بنابراین نیازی به اجتهاد و عمل به رأی نداشته است.

ذ: کسانی که از سپاه اسامه تخلف کردند

در رابطه با لعن رسول اکرم نسبت به از متخلفین جیش اسامه در منابع شیعه زیاد هست و نیازی به باز گو کردن ان نیست. اما این مطلب در منابع اهل سنت مثل شیعه بیان نشده است. ولی برخی از بزرگان و استوانهای علمی اهل سنت به حدیث اشاره کرده اند که از نظر مبارک شما خواهد گذشت.

آقای شهرستانی در کتاب ملل و نحل جلد اول ص ۱۲۹ چاپ بیروت و در چاپ دار المعرفه جلد اول ص ۲۳ در چاپ قاهره ص ۱۳ می گوید:

جهزوا جیش أسامة لعن الله من تخلف عنه

سپاه اسامه را مجهز کنید خدا لعنت کند هر کس را که از سپاه اسامه تخلف کند

۲. آقای سید شریف جرجانی که از استوانه‌های کلامی اهل سنت هست در کتاب مواقف ج ۸

ص ۶۱۹ چاپ استانبول ، ص ۸۰۶ طبع هندوستان ، ص ۳۷۶ طبع مصر ایشان هم همینطور

تعبیر دارد بر اینکه پیغمبر اکرم فرمودند :

جهزوا جيش أسامة لعن الله من تخلف عنه

خدا لعنت کند کسانی را که از سپاه اسامه تخلف می‌کنند .

جناب جوهری باز از دیگر بزرگان اهل سنت هست در کتاب السقیفه با سندی که در آنجا

نقل می‌کند

این قضیه را مفصل آورده و به اینکه عده‌ای

فتناقل لاسامه وتناقل الجیش بتناقله

تا آنجایی که نبی مکرم بارها فرمود هر چه سریعتر لشکر اسامه و سپاه اسامه حرکت کند

بعد فرمود:

انفذوا جيش اسامه

هر چه سریعتر مقدمات حرکت سپاه اسامه را مجهز کنید و آماده کنید

لعن الله من تخلف عنه

خدای عالم لعنت کند آن کسانی را که از جیش اسامه تخلف می‌کنند.

اما چون در این مختصر مجال بحث تفصیلی نیست از ذکر تفصیل بیشتر در مورد مصادر این حدیث و سند آن و همچنین اینکه مصادیق من تخلف عن جیش اسامه چه کسانی بودند میگذریم .

نتیجه و خلاصه بحث

با استفاده از آیات قرآنی درباره ملعونین باید گفت که: از مجموع آیات و روایات وارده در باب لعن این افراد، این نتیجه حاصل می شود که هر فرد مسلمان خواه صحابه باشد خواه تابعی که دارای چنین صفات مذموم مذکور در آیات و روایات باشد لعن آن جائز بلکه در مواردی مستحب و عبادت است، و شیعه به استناد همین آیات و روایات و نظر فقهاء به بعضی از صحابه و تابعین که فاسق و ظالم بودند لعن و نفرین می فرستند، بخصوص افرادی که ظلم آنها به اهل بیت ثابت است چگونه مستحق لعن و نفرین نباشند در صورتی که چنانکه که گذشت قرآن و رسول خدا صراحتاً آنها را لعن کرده، پس ما شیعیان نیز به پیروی از قرآن و پیامبر آنها را لعن می کنیم و لعن چنین افرادی چنانکه گذشت نه مستوجب فسق است و نه مستوجب کفر، بلکه لعن آنها بعنوان تبری از دشمنان خدا و رسول خدا عین طاعت و عبادت می باشد.

والسلام علی من اتبع الهدی

حیدر خواه

بهمن ماه ۱۳۸۸ قم مقدس

کتابنامه

قرآن

احیاءالعلوم / غزالی

الاستیعاب / ابن عبد البر

اسد الغابة / ابن اثیر / سنة الوفاة ۶۳۰ هـ / الناشر: انتشارات اسماعیلیان - تهران

اصول الکافی / شیخ کلینی / سنة الوفاة ۳۲۹ هـ / الناشر: دارالکتب

الاسلامیة ، آخوندی

بحارالانوار / محمد باقر مجلسی / سنة الوفاة ۱۱۱۱ هـ / المطبعة: مؤسسة الوفاء / الناشر:

مؤسسة الوفاء بیروت - لبنان

تاریخ مدینة دمشق / ابن عساکر / سنة الوفاة ۵۷۱ هـ / الناشر: دارالفکر

ترجمه الغدير / جمعی از مترجمین

تفسیر نمونه / آیت الله ناصر مکارم شیرازی

الجامع الصغير / جلال الدین سیوطی / سنة الوفاة ۹۱۱ هـ / الناشر: دارالفکر - بیروت

سیر اعلام النبلاء / ذهبی / سنة الوفاة ۷۴۸ هـ / الناشر: مؤسسة الرسالة بیروت

صحيح البخارى / محمد بن اسماعيل بخارى / سنة الوفاة ۲۵۶ هـ / المطبعة: دارالفکر -

بیروت

صحيح مسلم / مسلم بن حجاج نيسابورى / سنة الوفاة ۲۶۱ هـ / الناشر:

دارالفکر بیروت

الغدير / علامة امينى / سنة الوفاة ۱۳۹۲ هـ / الناشر: دارالكتاب العربى بیروت - لبنان

کنز العمال / متقی هندی / سنة الوفاة ۹۷۵ هـ / الناشر: مؤسسة الرسالة بیروت - لبنان

مجمع البحرين / فخرالدين طريحي / سنة الوفاة ۱۰۸۵ هـ / المطبعة الثانية ۱۴۰۸ هـ /

الناشر: مکتب نشر الثقافة الاسلامیة

مجمع البيان / طبرسى / سنة الوفاة ۵۶۰ هـ / الطبعة الاولى ۱۴۱۵ هـ /

الناشر: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات - بیروت

مجمع الزوائد / نورالدين هيثمى / سنة الوفاة ٨٠٧ هـ / الناشر: دار الكتب العلمية بيروت
- لبنان

مروج الذهب / مسعودى

مستدرک على الصحيحين / حاكم نيسابورى / سنة الوفاة ٤٠٥ هـ / الناشر: دارالمعرفة
بيروت ١٤٠٦

مسند احمد / احمد بن حنبل / سنة الوفاة ٢٤١ هـ / الناشر: دار صادر بيروت - لبنان
مفردات / راغب اصفهاني / سنة الوفاة ٥٠٢ هـ / الطبع الاولي ١٤٠٤ / الناشر: دفتر نشر
الكتاب

الميزان / علامة طباطبائي / سنة الوفاة ١٤٠٢ هـ / الناشر: مؤسسة النشر الاسلامي التابعة
لجماعة المدرسين بقم المشرفة

وسائل الشيعة / حر عاملي / سنة الوفاة ١١٠٤ هـ / المطبعة: مهر - قم

وقعة الصفين / نصر بن مزاحم منقري / سنة الوفاة ٢١٢ هـ / الناشر: المؤسسة العربية
الحديثة للطبع و النشر و التوزيع

٢٦. پژوهشی در سب و لعن از نگاه عرف قران و سنت / عبدالرحيم عباس ابادی / ناشر: پایگاه
اینترنتی موسسه مذاهب اسلامی